

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نياشد تن من مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهيم

بدین بوم ویر زنده یک تن مباد  
از آن به که کشور به دشمن دهيم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Literary-Cultural

ادبی - فرهنگی

استاد محمد نسیم "اسیر"

سوم جولای ۲۰۱۱

## اضطراب

بیا که صحن چمن پر گل است و "آب زده"  
ز آسمان و زمین مشک تازه می بارد  
طراوت چمننت سوی باغ می خواند  
ز بس دو چشم تو بی جام باده سرشار است  
چه می شود به کلامی دلم کنی آرام  
دلا به تیغ نگاهش بنه سر تسلیم  
سیاه روی شد از بس دروغ گفت رقیب  
به ناصواب شکستی دل حزین مرا

عروس باغ به سر پنجه اش خضاب زده  
به چهره دخت چمن عنبر و گلاب زده  
درین سپیده دم آخر مباح خواب زده  
گمان برند که شب تا سحر شراب زده  
شبی به کویت اگر آیم اضطراب زده  
که تو فتاده ز پائی و او شتاب زده  
به سان چهره تاریک آفتاب زده  
مگر مقابل تو حرف ناصواب زده؟

چو من "اسیر" به غیر از دعا چه خواهی گفت

به دلبری که رسد بر سرت شتاب زده

م. نسیم "اسیر"

(فرانکفورت - می ۲۰۰۵ م)